

#۶۰مدرسه بحرانی

جامعه پدیا
مدیر آموزش و پرورش پایتخت گفته است که ۶۰مدرسه به‌عنوان مدارس پرخطر در زمینه آسیب‌های اجتماعی شناسایی شده‌اند. ۶۰مدرسه درص‌زیادی از ۴۶۰۰مدرسه این شهر را تشکیل نمی‌دهد اما بیان این خبر از سوی مجید پارسا نشان می‌دهد که این مدارس با شرایط خطرناکی روبه‌رو هستند و آموزش و پرورش قصد اصلاح آنها را دارد. از طرف دیگر، به‌گفته این مقام مسئول ۲۳۰مدرسه متوسطه دولتی و ۱۸۰مدرسه غیردولتی هم میانگین معدل زیر حد نصاب داشتند که باید وضعیت تحصیلی آنها نیز بهبود پیدا کند.

هشدارها درباره وضعیت آسیب اجتماعی در مدارس از مدتی قبل داده شده بود. علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در نیمه آذر امسال گفته بود که ۱۰۰ منطقه به‌عنوان مناطق هدف و اولویت‌دار برای رصد آسیب‌های اجتماعی انتخاب شده‌اند و قرار است «اطلس آسیب‌های اجتماعی» مدارس تهیه شود. هم‌زمان عاطفه سادات مدیر‌نژاد، مدیرکل انجمن اولیا و مربیان وزارت آموزش و پرورش از برگزاری دوره‌های آموزش حضوری خانواده‌ها با محوریت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی خبر داده بود. این دوره‌ها در مدارس هدف طرح نماد اجرا می‌شود. طرح نماد یا «نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان» برای پایش آسیب‌های اجتماعی در چند مرحله برای شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر اجرا می‌شود.

فرزندآوری در مسیر درست

اصل‌وشرح

یکی از اتفاق‌های خوبی که این روزها شاهدش هستیم تغییر رویه کمک به رفع محرومیت در مناطق محروم است. کاری که قبلاً در قالب توزیع بسته‌های غذایی و پوشاک و... انجام می‌شد، امروز در مسیر تولد نسلی توانمند و سالم

حمایت هزار روزه از مادران

درباره طرح «هزار روز طلایی بارداری» که روش م‌ترقی برای حمایت از فرزندآوری در مناطق محروم کشور است



پذیرفته است که با کد ملی مشخص شده‌اند. سازمان غذا و دارو هم براساس همین نیاز عمل می‌کند. اگر آن میزان درست محاسبه شده باشد، باید روند تولید و مصرف هم درست طی شود. حتی در نامه معاونت درمان وزارت بهداشت این نکته هم ذکر می‌شود که «۳۰ تا ۲۵ درصد مواد اولیه بیشتر به‌عنوان ذخیره راهبردی لازم است.» با این حساب نباید کمبودی در تولید شربت رخ بدهد. معاون ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌گوید: «گر شربت از مراکز مجاز درمان به بازار غیر مجاز نشت کند، نهایتاً چند شیشه است، ولی اگر از محل تولید یا توزیع نشت کند، مانند امروز به تعداد زیاد وارد بازار می‌شود. این نشان می‌دهد که محاسبه درست بوده و بر اساس آن تولید کرده‌اند، اما از مسیر نظارتی خارج شده است.»

نشأت از محل تولید و توزیع

سلیمان عباسی، مدیرکل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر درباره کمبود شربت تریاک به همشهری می‌گوید: «لان مراکز مجاز ترک اعتیاد اعلام کرده‌اند که شربت اوپیوم کم دارند یا اصلاً ندارند، اما در مراکز غیرمجاز این شربت در دسترس است. اگر واقعاً شربت اوپیوم کم تولید شده باشد، پس نباید در خیابان و عطاری هم پیدا شود.»

عباسی تأکید می‌کند که استخراج این ماده‌ا کشفیات تریاک چارچوب دقیقی دارد و شرح می‌دهد: «میزان نیاز یک‌ساله قابل محاسبه است. هر مرکز تعدادی بیمار

شربت تریاک پیدا نمی‌شود

کمبود یک ماده اصلی برای ترک اعتیاد به مواد مخدر سنتی

مدتی است که شربت تریاک در مراکز درمان اعتیاد پیدا نمی‌شود. اختلاف قیمت یک شیشه شربت دولتی و آزاد نزدیک ۵میلیون تومان است. کمبود شربت تریاک به حدی رسیده که مدتی قبل مدیران مراکز درمان اعتیاد در مقابل وزارت بهداشت جمع کردند. همشهری از طریق ستاد مبارزه با مواد مخدر و همچنین کمیته درمانگران اعتیاد انجمن پزشکان عمومی ایران این موضوع را پیگیری کرده است.

۴میلیون و ۹۰۰تومان اختلاف قیمت

۱۰۰هزار تومان: قیمت دولتی هر شیشه شربت اوپیوم

۵میلیون تومان: قیمت هر شیشه شربت اوپیوم در بازار آزاد

۱میلیون و ۴۰۰هزار تومان: تعرفه هزینه درمان یک‌ماهه در مراکز مجاز

۱۱هزار مرکز: تعداد کلی مراکز مجاز در مان اعتیاد در کشور

بعد از مدتی با پرسیدن گالری گوشی، دور ریخته می‌شوند. به قول این کاربر ای کاش در لحظه لذت ببریم و به گرفتن چند عکس یا فیلم کوتاه بسسند کنیم. با این روش مزاحم بقیه افراد حاضر در محل هم نخواهیم شد.

و حسرت می‌خورن چرا لذت نبردن. در واقع واسه نشون دادن به بقیه اونجا رفتن. همه ما با این پدیده مواجه شده‌ایم که در کنسرت‌ها یا دیدن یک مکان تاریخی و... بیشتر از دیدن و لذت‌بردن از فضا، افراد فقط به دنبال گرفتن فیلم و عکس هستند؛ تصاویری

کاربری در شبکه ایکس نوشته است: «معمولاً ۹۹درصد ایرانی‌ها وقتی سرفی، کنسرتی، مهمونی‌ای و... می‌رن، سعی نمی‌کنن در محل لذت ببرن؛ فقط دنبال گرفتن فیلم و عکس هستن واسه منتشر کردن در صفحات مجازی شون. بعد فیلم خودشونو می‌بینن

وسواس فیلم و عکس گرفتن به جای لذت‌بردن



تعمیرکار صداهای خاموش

روایت این روزهای مردی که موزه‌دار و تعمیرکننده رادیوهای آنتیک است

رایحه تیموری | روزنامه‌نگار از رادیوهای رومیزی دوران جنگ جهانی دوم تا گرام‌های ترانزِ بستوری و هندلی در بساطش یافت می‌شود. لاًقل نیم قرن از عمرش را لایه‌لای همین وسایل صوتی آنتیک گذرانده و آنگذر با آنها کلنجار رفته که چشم‌پسته می‌تواند بفهمد، موج‌های ساده و پیچیده رادیوهای جدید و قدیمی چرا دچار اختلال

گزارش



۵۰۰یورو دستمزد

هیچ‌یک از فرزندان موسوی با جای پای پدر نگذاشته‌اند و در وارسای دل و روده لوازم صوتی آنتیک سرشته‌ای ندارند. یکی از آنها هم مهاجرت کرده و وقتی پدر برای دیدار او به کشور آلمان سفر کرد، آنقدر مشتربانش فراوان شدند که نمی‌توانست دم و دستگاه کاری را زمین بگذارد: «اولین مشتری آلمانی‌ام صاحبخانه پسرم بود که یک گرام شیشه‌ای چندکلیویی خیلی قدیمی داشت و حسرت می‌خورد که از سال‌ها پیش بی‌صدا و خاموش مانده است. وقتی آن را راه انداختم، حسایی ذوق کرد و فرزندانش رادعوت کرد که آن را ببینند. بعداز آن آلمانی‌های دیگری هم که از مهارت من باخبر شدند، یکی‌یکی با رادیوها و گرام‌های از کار افتاده سراغم آمدند و تعدادشان آنقدر زیاد شد که در همان مدت کم اقامتم در آلمان ۵۰۰ یورو دستمزد گرفتیم!»

از انحلال شرکت آلمانی تولیدکننده رادیوهای تلفنکن

بیش از ۶۰سال گذشته، اما هنوز هم موسوی پیدا کردن عیب و ایراد رادیوی تلفنکن کرم‌رنگی را که از نونوارترین وسایل کارگاهش است را شق‌القمرترین هنرنمایی‌اش می‌داند: «هیچ رادیوی لامپی‌ای وجود ندارد که من نتوانم تعمیر کنم، اما پیدا کردن علت پارازیت‌های موج پیچیده این رادیو خیلی سخت بود.» او به تجربه متوجه شده لامپ‌های کم‌مصرف نقش زیادی در افزایش پارازیت‌های رادیویی دارند. یکی از حسرت‌های حسین آقا نداشتن شاگردی دست‌به‌آچار است که تجربیاتش را به او آموزش دهد. او می‌گوید: «هن آخرین بازمانده نسل تعمیرکاران رادیو هستیم...»



یک‌خانه پر از گرام و رادیو

زیرزمین گل‌وگشاد خانه‌اش را به کارگاه تبدیل کرده است. اما وسایل صوتی سن‌وسال داری مانند رادیوهای جیوه‌ای، گرام‌های خودرو و صفحه‌گرام‌های سکه‌ای که در گوشه‌وکنار کارگاهش به چشم می‌خورند، به این فضا حال‌وهوای موزه داده‌اند. در کم‌دلباس، کابینت‌های آشپزخانه و همه گوشه‌وکنار، کارگاهش پسر از لامپ‌های چند پایه، کلید، آمپلی‌فایر و سرولوم و دیگر وسایل ریزورشتی است که از دل و روده رادیوها و گرام‌های تعمیری بیرون کشیده‌است. حسین آقا سیستم‌های ضبط صوت برند ناگرا را که سال‌ها پیش عصای دست نخستین نسل خبرنگاران صداوسیما بودند و حالا در موزه‌ها یافت می‌شوند، در مزایده خریده و آنها را با عزت و احترام در گوشه کارگاهش نگهداری می‌کند. از تاریخ انقضای تعداد زیادی از ۳۰هزار لامپ رادیویی که در کشورهای چوبی کارگاه تلنبار شده‌اند، چند دهه گذشته، اما هنوز بسیاری از آنها اکینند و استفاده‌نشده باقی مانده‌اند! گرامافون‌های هندلی کوچک و بزرگی که در گوشه‌وکنار آپارتمان چیده شده‌اند، وسایلی تزئینی به‌نظر می‌رسند، اما وقتی با تابندن هندل‌های کوچک و بزرگشان، صدای دلنشین موسیقی سنتی ایرانی در فضا پخش می‌شود، ذهن را به سال‌های بکه‌تازی رادیوهای لامپی و گرام‌های صفحه‌ای می‌برد.

رادیوی نوستالژیک

ناف آقای تعمیرکار بوشهری را با آچار و پیچ‌گوشتی بریده‌اند و بی‌آنکه شاگردی کند یا آموزشی ببینند، در نوجوانی جوشکاری خیره بود. در وررفتن و به‌هم‌تاباندن سسیم و کابل‌های برقی هم جسور و پر دل و جرأت بوده و در همان زمانی که خانه‌های اهالی روستای سعدآباد بوشهر با لامپ‌های نفتی روشن می‌شد، او خانه پدری‌اش را با دینام برق‌کشی کرده است. تا ۲۰سالگی که حسین آقا به استخدام نیروی دریایی در آمد، سهم او از دنیای رادیو و وسایل صوتی کوچک و بزرگ فقط رادیوی نقلی جمع‌وجوری بود که با چرخاندن پیشی می‌توانست موسیقی‌ای ملایم بشنود یا با کوتاه و بلندکردن امواجش از اخبار گوشه‌وکنار دنیا باخبر شود. حتی در سال‌هایی که به‌عنوان عضو نیروی دریایی ایران در فرانسه به‌سر می‌برد، کنج‌کاوشد که بداند چرا آوازه رادیوهای فرانسوی سنرا است. در سال‌های جنگ و جبهه هم رادیو فقط برای آگاهی روزنه حکم خبرسانی را داشت که خبر در پیش بودن عملیات‌ها را به گوشش می‌رساند تا به‌سرعت برق و باد خودش را به مناطق عملیاتی برساند.

۱۲هزار تومان دستمزد خوشمزه

سال ۱۳۶۴ که حسین آقا از نیروی دریایی بازنشسته شد، مسافرت‌کشی کمک‌خرج زندگی‌اش بود، اما گاهی هم دست به آچار می‌شد و در کارگاه نقلی‌اش هر وسیله برقی اسقاطی‌ای برای درمان فرزندم به تهران آمد، با مسافرت‌کشی و حقوق بازنشستگی زندگی‌اش را می‌گذراندم، ولی یک روز که یک گرام تعمیر را تعمیر کردم و به بازار بردم، با آنکه برای تعمیر این گرام زحمت زیادی تکشیده بودم، یکی از مشتری‌انم بابت خرید آن حاضر شد ۱۲هزار تومان بپردازد. آن زمان ۱۲هزار تومان درآمد چند روز مسافرت‌کشی من بود و با گرفتن این دستمزد تصمیم گرفتم دوباره به تعمیر لوازم برقی بپردازم. آن روز همین که به خانه رفتم ۱۲هزار تومان را روی سر مادرم پاشیدم و فکتم من از امروز فقط تعمیرکار رادیو هستم!» در آن سال‌ها کسادای بازار، تعمیر رادیو و گرام باعث شده بود تا تعمیرکاران قدیمی یکی در دکانشان را زخته کنند و بی‌کاسبی دیگری بروند: «تعمیرکاران قدیمی یکی یکی کرکره تعمیرگاهشان را پایین می‌کشیدند و سراغ مشاغلی مثل مشاوره املاک یا نمایشگاه‌داری خودرو می‌رفتند. من هم توی دوره می‌افتادم و همه آنها را می‌خریدم. گاهی وسایل این تعمیرکاران به چند کامیون می‌رسید که خرید آنها لوازم کار من را مجهر و کامل می‌کرد.» دهان به دهان گشتن پنجه‌طلاوتون حسین آقا در راه‌اندازی لوازم صوتی اسقاطی و تخته‌شدن دکان سایر صنف‌فاش باعث شده اسم و آواز‌اش بلند شود: «هن ۳۰سال به جمع‌آوری رادیوهای مختلف و تعمیر آنها مشغول بوده‌ام و در میان علاقه‌مندان لوازم صوتی به پدر رادیوی ایران شهرت پیدا کرده‌ام.»